



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مداحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (سلام الله علیها) - 17 /مرداد/ 1383

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً این روز بزرگ و این عید مسعود را تبریک عرض می‌کنیم و به شما برادران عزیز - ذاکران، مداحان، گویندگان، سرایندگان در مدح و منقبت و مصائب اهل بیت (علیهم السلام) - خوشامد عرض می‌کنیم و امیدواریم که این تلاشها و نفسهای گرم و احساسات پاک شما مقبول و منظور و مورد توجه بانوی دنیا و آخرت - فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) - قرار بگیرد.

این توسلها خیلی قیمت دارد. این گوهر محبت اهل بیت، بخصوص فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) که میان همه ی این خاندان با عظمت، عزیز است، خیلی ارزش دارد. حقیقتاً روز ولادت این بزرگوار - که گوهر صدف نبوت و ولایت است - برای شیعیان، محبان و فرزندان معنوی و جسمانی آن بزرگوار عید بزرگی است.

یکی از آقایان که اشاره کردند که دشمنان اسلام و مسلمانان این روز شیرین را با حوادث عراق و نجف تلخ کردند، راست است. لعنت خدا بر این قدرتهای مستکبر و ظالم و منافق و دروغگو و شیاد و افزون طلب که برای آنها اصلاً نه حیثیت مردم، نه عقاید مردم، نه حقوق مردم، نه استقلال کشورها و نه عزت ملتها مطرح است. اگر کسی فکر کند که با تملق و نزدیک شدن و تسلیم در مقابل اینها می‌تواند کاری از پیش ببرد، خطا کرده است. علاج اینها جز با ایستادگی و جز با کوبیدن شمشیر بران منطق حق و عزم ثاقب نیست و علاج کار اینها فقط با اراده ی قوی، منطق قوی و مشت قوی است؛ اینها امروز در دنیا در مقابل این مسائل درمانده اند. آن چیزی که در عراق این لقمه ی چرب و نرم را برای آنها گلوگیر کرده و دارد خفه شان می‌کند، همین ایمان و اراده ی یک مشت مردم بی پناه و مستضعف است. عراقیها نه پول دارند، نه سلاح، و نه پشتیبان بین المللی؛ اما با عزم، با ایمان و با ایستادگی نگذاشتند که آنها به خیال خوش خودشان و خواب خوشی که دیده بودند، این لقمه ی چرب و نرم را فرو بدهند. من مکرر گفته ام، باز هم می‌گویم: امریکاییها در بن بستند. اگر جلو بروند، ضربه می‌خورند؛ اگر عقب هم بیایند، ضربه می‌خورند؛ هرچه ادامه بدهند، برایشان مایه ی ضربه است؛ عقب نشینی هم بکنند، مایه ی ضربه است؛ در مخمصه گیر افتاده اند. گرگی که در یک تله گیر می‌کند، داد و فریادش ممکن است عده یی را بترساند، یا پنجه اش کسی را که نزدیک برود، زخمی کند؛ اما گیر افتاده است. امیدواریم که خداوند شر اینها را از سر دنیای اسلام کم کند، و به ملت مسلمان عراق و شیعیان در هر نقطه یی از عالم، و به همه ی ملت‌های مسلمان و مؤمن، توفیق اعمال آن اراده ی شرافت آمیزی را که قرآن از ما خواسته، به آنها عنایت کند.

درباره ی مقامات صدیقه ی طاهره (سلام الله علیها) زبان و گفتار ما یارای بیان ندارد؛ نمی‌شود توصیف کرد؛ وصف او از حد این قالب‌های معمولی بیانی ما بالاتر است؛ اما با زبان هنر تا حدودی می‌شود ذهنها را نزدیک برد؛ این که بنده روی مداحی و شعر و سرودهای اسلامی تکیه می‌کنم، به همین خاطر است. با بال و پر هنر می‌شود مقداری ذهن را نزدیک کرد، ولی به حقیقت آنها در مقام توصیف نمی‌شود رسید. البته کسانی که دلها و عمل شان را پاک کنند، جسم و جان خودشان را تطهیر کنند، تقوا و پرهیزگاری و پاکدامنی را پیشه ی خودشان کنند و خودشان را تربیت کنند و مقداری از این آلودگی یی که بنده و امثال بنده دچارش هستیم، خودشان را بیرون بیاورند، چشم‌هایشان می‌تواند ببیند؛ اما باز آنها هم نمی‌توانند توصیف کنند، لیکن دل‌های پاک و چشم دل بینای آنها می‌تواند انوار قدسیه ی اهل بیت و از جمله صدیقه ی کبری (سلام الله علیها) را تا حدودی از نزدیک ببیند و مقامات آنها را درک کند. ما نشانه‌هایی داریم. این که از قول پیغمبر اکرم نقل شده است که: «فداها ابوها»، خودش یک



نشانه است. این که در روایت دارد که وقتی فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) وارد خانه ی پیغمبر می شد، یا آن جایی که پیغمبر نشسته بودند وارد می شد، «قام الیها» - حضرت پیش پای او بلند می شد؛ به طرف او می رفت - این یک نشانه است؛ اینها عظمت است. این که همه ی دنیای اسلام از آن روز تا امروز - شیعه و سنی فرقی ندارد - این بانوی بزرگوار را با چشم عظمت و جلالت نگاه می کنند، این هم خودش یکی از آن نشانه ها و علامتهاست. امکان ندارد که همه ی عقلا، علما و متفکران با نحله ها و عقاید مختلف در همه ی تاریخ یک امت و ملت، بر مدح و ستایش یک مرکز متفق القول باشند. این نیست مگر عظمت توصیف ناپذیر آن مرکز؛ این خودش یک علامت است. همه ی این عظمت ها مربوط به یک بانوی هجده ساله؛ یک دختر جوان است! بیشترین سنی که برای فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) طبق تواریخ مختلف گفته می شود، از هجده سال است تا بیست و دو سال. از آن تکریمی که امیرالمؤمنین برای ایشان قائل است، و از آن تکریمی که در روایات و کلمات همه ی ائمه (علیهم السلام) درباره ی فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) آمده، انسان می فهمد که چه عظمت و شیفتگی یی در کلمات ائمه نسبت به فاطمه ی زهرا موج می زند. هر یک از ائمه شط خروشان هستند که فضای معرفت و استعدادهای بشری را سیراب و بارور کرده اند و همه ی این جویبارها از این چشمه سرازیر می شوند؛ چشمه ی جوشان فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها). روایات صادقین (علیهم السلام)، عظمت حضرت رضا و موسی بن جعفر و ائمه ی بعدی، مقام والای حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه)، همه جویبارهای آن کوثرند؛ آن کوثر تمام نشدنی، آن چشمه ی جوشان؛ برکات فاطمه ی زهرا اینهاست.

ما این بزرگوار را خواسته ایم به عنوان الگو میان خودمان مطرح کنیم. یک زن جوان، یک دختر جوان، که زندگی اش، زندگی معمولی؛ لباسش، لباس فقرا؛ کارش در خانه جمع و جور کردن بچه ها و مدیریت خانه و کدبانویی این خانه ی کوچک و دستاس کردن است و آن کوه معرفت و دریای عظیم علم و دانش در وجود اوست. قرآن چهار زن را اسم آورده که این چهار زن الگویند؛ دو الگوی نیکان عالم، دو الگوی بدان عالم. «ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأة نوح و امرأة لوط»؛ زن نوح و زن لوط. «کانتا تحت عبدین من عبادنا صالحین فخانتاهما»؛ این دو نمونه ی زنانه برای مردمان کافر در طول تاریخ هستند. وقتی خدای متعال در قرآن می خواهد کفار - نمونه ی وجود کفرآمیز و کفران کننده ی نعمت خدا - را معرفی کند، به جای فرعون و نمرود و افراد دیگر، دو زن را مثال می زند؛ زن نوح و زن لوط، که درهای رحمت الهی به روی اینها باز و همه ی امکانات برای عروج و رفعت اینها آماده بود و دو پیغمبر، آن هم پیغمبری مثل نوح و لوط، شوهران اینها بودند که در خانه ی آنها زندگی می کردند و حجت بر آنها تمام بود؛ اما این دو زن قدر این نعمت ها را ندانستند و «فخانتاهما»؛ به شوهرهایشان خیانت کردند. این خیانت، لزوماً خیانت جنسی نیست؛ خیانت اعتقادی است؛ خیانت مسلکی است؛ راه را کج کردند. شوهرها با این که پیغمبر بودند و مقام عالی داشتند، به درد این زنها نخوردند؛ «فلم یغنیا عنهما من الله شیئاً». خدای متعال رودربایستی و رفاقت و خویشاوندی با کسی ندارد. اگر کسی را مورد محبت و لطف و رحمت قرار می دهد، با حساب و کتاب است؛ با تعاریف نیست؛ خدا قوم و خویش کسی نیست. اینها هم با این که شوهرهایشان پیغمبر بودند، این شوهرهای پیغمبر نتوانستند این دو زن را از شر غضب الهی نجات بدهند؛ اینها شدند نمونه ی کافران همه ی تاریخ.

در نقطه ی مقابل، باز خدای متعال دو زن را به عنوان نمونه ی مؤمنان ذکر می کند: «و ضرب الله مثل للذین امنوا امرأة فرعون اذ قالت ربّ ابن لی عندک بیتا فی الجنة و نجتی من فرعون و عمله»؛ یکی زن فرعون و دیگری، حضرت مریم: «و مریم ابنت عمران». آن زن اول، قصر فرعون یا او را مجذوب نکرد؛ زن پرورش یافته در بساط فرعون، کسی که زن فرعون است و لابد پدر و مادر و خاندانش هم از همین طواغیت بودند، در نهایت راحت و نعمت و رفاه و عزت ظاهری بود و زندگی می کرد؛ اما ایمان موسی دل او را برد و تصرف کرد؛ به موسی ایمان آورد. وقتی ایمان آورد و



راه را شناخت، همه ی آن راحت و رفاه را کنار گذاشت و دیگر آن قصر با عظمت در مقابل او جاذبه یی نداشت؛ گفت: «ربّ ابن لی عندک بیتا فی الجتّة»؛ من خانه ی بهشتی را ترجیح می دهم؛ زندگی دنیا ارزشی ندارد. حضرت مریم هم: «و مریم ابنت عمران الّتی احصنت فرجها فنحننا فیها من روحنا»؛ دامن خود را پاک و پاکیزه نگهداشت؛ اینها ارزشهای انسانی است.

این چهار زن فقط نمونه و نماد برای زنها نیستند، بلکه نمونه و نماد برای همه ی زنها و مردها هستند. آن دو زن با این که باب رحمت جلوی آنها باز بود، به آن راه نرفتند و از آن استفاده نکردند؛ به معنویت به خاطر چیزهای پست و حقیر - عواملش را قرآن ذکر نکرده، حتماً چیزی است مانند اخلاق بد و یا یک خصلت بد - پشت کردند؛ یک چیز کوچک این دل‌های ضعیف را به خودش جذب می کند و آنها را از راه حق منحرف می کند و می شوند نماد کفار و انسان ناسپاس در مقابل خدا. اما دو زن دیگر، نماد ارزشهایند. او برایش جاذبه ی معنویت و جاذبه ی سخن حق آن قدر زیاد است که به همه ی بساط و دستگاه فرعون پست پا می زند، این یکی هم پاکیزگی و پاکدامنی و وارستگی دارد.

فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) همه ی این فضایل را با هم داراست. چون «و اصطفاک علی نساء العالمین» درباره ی مریم در قرآن هست و سیده ی نساء عالمین، در روایت هم دارد که او سرور زنان عالم در زمان خودش بود، ولی فاطمه ی زهرا سرور زنان عالم در همه ی ادوار تاریخ است؛ این الگوست. برادران عزیزا ما امروز به این الگو احتیاج داریم.

امروز دستگاه های تبلیغاتی دنیا برای گمراه کردن انسانها دائم الگو جلوی چشم نسلهای بشر در همه ی دنیا می آورند. البته الگوها کم جاذبه و ناموفق است، اما دست بردار نیستند؛ هنرپیشه می آورند، نویسندگان می آورند، آدمهای پرهیاهوی خوش ظاهر بدون باطن می آورند، هیکل‌های پوچ و بی معنا را می آورند و مرتب نمایش می دهند، تا بتوانند به وسیله ی این الگوها، انسانها را به سمتی حرکت بدهند و به راهی بکشند. آنها برای این کار، پولها خرج می کنند و فیلم‌های هالیوودی و چیزهایی از این دست که می بینید و می شنوید و می دانید، اغلبش جهت دار است. با این که می گویند هنر بایستی فارغ از سیاست و جهتگیری سیاسی باشد، رفتار خودشان بعکس است و این جور نیست؛ مستکبران عالم هنر، سینما، فیلم، شعر، نوشتن، مغز و استدلال و فلسفه را در راه منافع استکباری و چپاولگری خودشان استخدام کرده اند؛ همین چیزی که امروز مظاهر سرمایه داری دنیاست؛ قدرت نظامی اش امریکاست، قدرتهای اقتصادی اش هم شرکتهای پشت سر دولت امریکایند. آنها از همه ی امکانات استفاده می کنند برای الگوسازی، ملتها هم دستشان خالی است و الگو و نمونه یی که بتوانند در مقابله یی با آنچه که آنها می آورند، از خودشان نشان بدهند، ندارند. ما دستمان پُر است، ما زنان بزرگی داریم؛ اگر حالا بخواهیم وارد وادی مسأله یی زن بشویم. زنان با عظمتی در تاریخ اسلام هستند که اوج و قله یی این عظمت ها، فاطمه ی زهرا، صدیقه ی کبری (سلام الله علیها)، است. حضرت زینب و حضرت سکینه هم ماجراهایشان ماجراهای شگفت آور برای انسانهای متفکر و باهوش و خردمند و اهل فکر است. امام حسن و امام حسین را گفته اند: «سیدی شباب اهل الجتّة». با این که اینها همیشه جوان نبودند و این دو بزرگوار به سنین پیری و کهولت هم رسیده اند، اما «سیدی شباب» به آنها گفته اند؛ یعنی جوانی اینها باید به عنوان یک الگو همیشه در مقابل چشم جوانهای دنیا باشد. جوانی خود پیغمبر و جوانی امیرالمؤمنین هم همین جور است.

حرف من با شما برادران عزیز مداح و ذاکر این است که شماها در این زمینه خیلی وظیفه دارید. من گاهی اوقات توصیه هایی می کنم. این جور نیست که ما برای عظمت فاطمه ی زهرا درمانده باشیم که چه جور این عظمت را بیان کنیم و متوسل بشویم به شعر، نثر و یا کلامی؛ نه، بلکه ما به آن عظمت احتیاج داریم. این خورشید متلألئ و درخشان به همه ی موجودات عالم سود می بخشد و حالا گوشه آفتابش هم داخل خانه یی ما افتاده است؛ ما باید



ببینیم از این چه جوری می‌توانیم استفاده کنیم. آن خورشید که خیلی بالاتر است؛ حالا ما ساعت‌های متمادی بنشینیم و راجع به توصیف این خورشید - که درست هم نمی‌دانیم چه هست و ذهن ما به آن نمی‌رسد - حرف بزنیم، شعر بگوییم، بخوانیم؛ اما نرویم زیر این آفتاب بنشینیم، تا بدنمان را گرم کنیم، جسم مان را رشد بدهیم و حیات خودمان را تقویت و تأمین کنیم؛ این که عاقلانه نیست؛ شأن این بزرگوار و این بزرگوارها خیلی بالاست. خدا رحمت کند کسانی را که جریان تشیع را به کشور ما آوردند و ما را با این حقایق آشنا کردند؛ اگر نمی‌شد، خیلی سخت بود. رحمت خدا بر آن شمشیرهای زبان و شمشیرهای قلم و شمشیرهای میدانهای مختلف که توانستند این حقایق را برای ما روشن کنند و ما را در این راه بیندازند که ببینیم و بفهمیم، والا این دلایل واضح در مقابل خیلی‌ها هست، اما نمی‌فهمند و درک نمی‌کنند؛ چون تعصبها نمی‌گذارد. ما این اقبال را پیدا کرده ایم و باید خدا را شب و روز بر اقبال آشنایی با ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) که نعمت عجیبی است، شکر کنیم.

شما ببینید امروز نسل جوان شما - چه دخترهاتان، چه پسرهاتان - و جامعه‌ی شما از خلأ کدام معرفت رنج می‌برند و آسیب می‌بینند؛ از کمبود کدام عنصر سازنده‌ی اخلاقی رنج می‌برند، آن عنصر اخلاقی را در وجود فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) و در فضایل آن بزرگوار و این وجودهای مقدس پیدا کنید و به زبان شعر - که زبان هنر هست - آن را القا و بیان کنید. ببینید ما در زندگی سیاسی و اجتماعی مان به کدام درس اهل بیت احتیاج داریم، آن را از زندگی این بزرگواران و این بزرگوار بخصوص استخراج کنید و با زبان شعر بیان کنید؛ اینها لازم و مهم است، والا صرف مدح گفتن - که الفاظ آن مدح هم گاه الفاظ مبهمی است که نه شنونده درست می‌فهمد که محصول این مدح چه شد و نه گاهی خود گوینده! - کافی نیست. ما باید اظهار ارادت بکنیم و این اظهار ارادت، کمال ماست؛ «مدح خورشید مداح خود است»؛ اما به این نباید اکتفا کنیم. ما باید ببینیم امروز چه درسی از این بزرگوارها می‌شود بگیریم. مبلغ هم وظیفه دارد، هنرمند هم وظیفه دارد، فیلمساز هم وظیفه دارد، گردانندگان سینمایی کشور هم وظیفه دارند، گردانندگان تلویزیون کشور هم وظیفه دارند، منبری‌ها هم وظیفه دارند، مداح جماعت هم وظیفه دارد؛ من می‌خواهم بگویم شما وظیفه‌ی خودتان را در کنار این وظایف سنگینی که بر دوش همه‌ی ماست، بازیابی کنید؛ این توصیه‌ی من به برادران عزیزم است که همیشه از آنها درخواست می‌کنم و با آنها در میان می‌گذارم. امروز ما کشوری هستیم که ملت ما به برکت خون و قیام امام حسین و به برکت روح حسینی، توانست قیام کند و یک نظام استبدادی فاسد خیث زشت کردار زشت خو را به زانو در بیاورد و یک حکومت مردمی با صبغه و روحیه و با عمل نسبتاً اسلامی - روحیه‌ی ما اسلامی است؛ اما نمی‌توانم بگویم که عمل مان کاملاً اسلامی است؛ نسبتاً اسلامی است که ان شاء الله روزی روزی باید بیشتر اسلامی شود - را سر کار بیاورد، که خود این نظام، فحش به همه‌ی ی قدرتهای عالم است؛ نفس وجود نظام جمهوری اسلامی فحش به امریکاست، ولو شما یک کلمه هم «مرگ بر امریکا» نگویند؛ خود این که این هست، نوعی دهن کجی به همه‌ی قدرتهایی است که با معنویت و با فضیلت و با استقلال و با شرف ملتها مخالفند. امروز همه وظیفه دارند این نظام را از نقصها و ضعفهای خودش خلاص کنند و عناصر قدرت و قوت معنوی و مادی را در آن تقویت کنند و در آن بیشتر به وجود بیاورند. اگر احتیاج به وحدت داریم، اگر احتیاج به علم داریم، اگر احتیاج به همکاری داریم، اگر احتیاج به تلاش اقتصادی یا سیاسی داریم، اگر احتیاج به روح شهادت طلبی و سلحشوری داریم و اگر احتیاج به خیلی چیزها داریم، باید هر کس به قدر خودش اینها را در جامعه به وجود بیاورد.

جبهه‌ی تبلیغ، جبهه‌ی وسیعی است که در آن هنر و آموزش و علم و دین و دانشگاه و حوزه و وزارت ارشاد و صدا و سیما هستند، که یک قسمت از این جبهه‌ی وسیع، به جماعت مداح - این برادرهایی که در دوره‌ی جنگ و دفاع مقدس در جبهه بودند، خوب در ذهن شان حرف بنده را تصویر می‌کنند - سپرده شده است و آن مانند این است که این بخش عظیم را این لشکر یا این قرارگاه به عهده دارد و تکه‌ی از آن را به گردن ما سپرده اند؛ ما باید این را خوب



از عهده بریباییم، تا دیگران هم که در بخشهای خودشان از عهده برآمده اند، مجموعش بشود پیروزی؛ باید برادران مداح به این موضوع توجه کنند؛ والا ما در نوحه خوانی، مصیبت خوانی و مرثیه خوانی، اگر یک مقدار همت و سلیقه به خرج بدهیم، می توانیم همه ی این مفاهیم عالی را بگنجانیم و البته می شود همه ی اینها را پوچ و پوک و خالی کرد و فقط ظواهری باشد. این موضوع می تواند در روضه، در نوحه، در سینه زنی و در مدح و مصیبت باشد؛ طوری که فقط دلی بسوزد و قطره اشکی بریزد، بدون این که اندک بهره یی برده شود؛ در روز جشن هم به همین نحو. وظیفه و مسؤولیت بزرگ جامعه ی مداح این است که مطالبش پرمغز و پرمحتوا باشد و به شیوه ی درست این را اداره کند؛ هم در مصیبت و مدایح، و هم در عزا و جشن. باید مطالب با شکلهای مختلف و در قالبهای مختلف بیاید.

امیدواریم خدای متعال به همه ی ما توفیق بدهد وظایف مان را درست بشناسیم و بر طبق آن وظایف عمل کنیم. ان شاءالله این عید سعید بر همه ی شماها مبارک باشد.
والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته